

کیانوری در تهران:

باید به مخالفان حزب توده ایران پاسخ داده شود!

* "جنبش توده ای" در اولین فرصت
ممکن، یکبار دیگر در ایران
سراسری خواهد شد! (ص ۱۷)

کشتار زندانیان سیاسی از زبان و
قلم جان بدربردگان توده ای

نه توده ای ها، که انقلاب را به دار کشیدند!

* اجازه ندهید قهرمانان حزب که قربانی
دفاع از انقلاب شدند، به فراموشی
سپرده شوند! (ص ۷)

راه

فرخنده باد ۱۰ مهر،
سالروز تاسیس
حزب توده ایران

۴۰ صفحه

توده

دوره دوم شماره ۶۴ مهر ماه ۱۳۷۶

موانع داخلی و خارجی تحولات در ایران!

می پرسند: موانع موجود بر سر راه دولت "محمد خاتمی" کدام است؟ در حالیکه باید پرسید: موانع موجود بر
سر راه تحولات اساسی در ایران کدام است؟ چرا که موفقیت این دولت، همانقدر به ایجاد تحولات مورد نظر مردم بستگی
دارد، که شکست آن به توطئه های و موانع داخلی و خارجی، که بر سر راه آن قرار دارد، وابسته است!

توطئه های داخلی - سرمایه داری تجاری، که در جمهوری اسلامی از راه دلای و غارتگری و متکی به برنامه
امپریالیستی "تعدیل اقتصادی" و خصوصی سازی، بر اهرم های حکومتی تسلط یافته، سنگر به سنگر از مواضع کنونی خود در
ایران دفاع می کند و در این دفاع نامقدس، بسیاری از روحانیون حکومتی را نیز همراه خود دارد. جان سختی فرمانده
سپاه پاسداران برای باقی ماندن در پست فرماندهی سپاه پاسداران و تلاش وزیر خارجه برکنار شده، برای ماندن در صحنه
سیاست خارجی، تنها نشانه های آشکار این جنگ سنگر به سنگر است. این در حالی است که قوه قضائیه، شورای نگهبان
قانون اساسی، هیات رئیسه مجلس اسلامی، تلویزیون حکومتی و دهها نهاد و ارگان علنی و غیرعلنی حکومت، همچنان به
قلعه هائی می مانند که سرمایه داری نوکسبه و تجارت پیشه ایران، برای ادامه غارت توده های میلیونی مردم ایران و
تحمیل ارتجاع مذهبی به جامعه، آنها را در اختیار دارد. تشدید گرانی و احتکار در هفته های اخیر و هو و جنجالی که با
محاکمه شهرداران نواحی تهران براه افتاده و صحنه آرائی های دیگری که در پیش خواهد بود، همگی از درون این
قلعه ها هدایت و طرح ریزی می شود و هدف آن فراهم ساختن زمینه های لازم برای یورش به جنبش مردم، درهم شکستن
اعتبار مردمی "محمد خاتمی" و بازگشت به چند سگری است که از دست داده اند. در ادامه همین صحنه آرائی برای
یورش به جنبش مردم است که ارتجاع و غارتگران، بحث بسیار منطقی و قانونی محدود کردن اختیارات "رهبری" در
جمهوری اسلامی را، که توده های مردم نیز خواهان آن هستند، یورش به "ولایت فقیه" تبلیغ کرده و آثار مقابله با قانون
اساسی و هدایت شده از سوی دشمنان خارجی معرفی می کنند. این در حالی است که آنها خود قانون اساسی را قبول
نداشته و طی تمام سالهای پس از پیروزی انقلاب مانع اجرای آن بوده اند. دست ارتجاع مذهبی، غارتگران و دلال ها را
باید از حکومت کوتاه کرد و پایگاه اقتصادی آنها را نیز با لگو "برنامه تعدیل اقتصادی" و "خصوصی سازی" و آغاز حرکت به
سمت سه بخش اقتصاد "دولتی، تعاونی، خصوصی"، که در قانون اساسی ج.ا نیز دقیقاً تعریف شده، باید درهم کوبید!

توده های مردم در حمایت از این یورش، همانقدر درنگ و تردید نخواهند کرد، که با شعارهای انصرافی و مذهبی دچار
تردید و درنگ خواهند شد. برای تحمیل همین تردید و درنگ به جنبش مردم است، که ارتجاع شکست خورده در
انتخابات، بحث مربوط به حدود اختیارات قانونی "رهبری" در جمهوری اسلامی را، توطئه علیه "ولایت فقیه" تبلیغ
می کند. در حالیکه رشد جنبش مردم، آگاهی توده ها، تغییر توازن قوا و... خود "بود" و "نبود" ها را تعیین خواهد کرد!
در عرصه خارجی - این تصور که امپریالیسم جهانی، خواهان استقلال ملی ایران و آبادی و آبادانی آن است، نه ساده
باوری، بلکه ساده لوحی است. بنابراین، هرگام که سوی تحولات اساسی در ایران برداشته شود، همان اندازه که با
توطئه های داخلی روبرو خواهد شد، از سوی امپریالیسم جهانی نیز با کارشکنی و ماجراجویی های بازدارنده روبرو
خواهد شد. هرگز نباید فراموش کرد، که حمله عراق به ایران، با همین هدف و با امید به انحراف کشاندن انقلاب ایران از
مسیر واقعی خود صورت گرفت و ارتجاع و سرمایه داری تجاری داخلی نیز برای تثبیت موفقیت خود از ادامه آن حمایت
کرد. بنابراین ارزیابی، باید پیمان نظامی اسرائیل و ترکیه، مذاکرات و زدوبندهای جاری بین اسرائیل و آمریکا با دولت
جمهوری آذربایجان، دعوت اخیر طالبان افغانستان از نیروهای مسلح اپوزیسیون برای تبدیل نواحی مرزی دو کشور به
مرزهای جنگی، مانور نظامی آینده ترکیه و اسرائیل، تشدید تبلیغات اسرائیل و آمریکا از یکسو و روزنامه های وابسته به
ارتجاع مذهبی و سرمایه داری تجاری داخل کشور، برای جلوگیری از حل اختلافات ایران و عراق و ایجاد اتحاد بین این
دو کشور و سوریه، مانورهای نظامی آمریکا در مدیترانه و ادامه آن در خلیج فارس و... همگی را باید بخش خارجی موانع
موجود بر سر راه تحولات اساسی در ایران به شمار آورد. موانعی که کارزار تبلیغاتی آن از سوی دولت غاصب و تجاوزگر
اسرائیل و محافل صهیونیستی روز به روز در حال تشدید است. بهانه این کارزار تبلیغاتی که با کمال تاسف اپوزیسیون
جمهوری اسلامی برای بازساختن آن دچار سردرگمی و غفلت تاریخی است، همانا تولید سلاح نظامی و موشکی در ایران و
یا ایجاد نیروگاه های اتمی در خاک ایران است. این در حالی است که دولت اسرائیل یگانه نیروی اتمی منطقه و
تجاوزکارترین و تروریست ترین دولت موجود در منطقه است. براساس این ارزیابی است، که باید با این کارزار تبلیغاتی
مقابله کرد و فارغ از هر بیم وهراس تبلیغاتی، از قدرت نظامی ایران برای دفاع از استقلال کشور با تمام قوا حمایت کرد.
این حق مردم ایران است، که از تمامیت ارضی خود و سرکوب هر نوع دخالت خارجی در امور داخلی کشور دفاع کنند.
آنچه که استقلال میهن ما را بر باد می دهد، نه خرید و یا تولید سلاح (که امر داخلی هر کشور و ملت است)، بلکه ادامه
حکومت غارتگران و زدوبندهای ضد ملی با قدرت های خارجی و توطئه امپریالیسم جهانی و اسرائیل است!

موانع موجود بر سر راه تحولات اساسی در ایران را، باید اینگونه بازشناخت و به مقابله با آن برخاست!

از داخل کشور می نویسند:
غارتگران، زمین
سوخته تحویل
خاتمی داده اند!

(ص ۲)

نامه افشاگرانه
شورای هنرمندان
انقلابی داخل کشور
به "خاتمی"

(ص ۳)

دشمنان
جامعه باز

(ص ۲۴)

از زبان حاج عراقی
فدائیان اسلام
موتلفه اسلامی

(ص ۱۳)

مصاحبه با مسئول کمیسیون ارتباطات
سندیکائی ایران، در پی نشست "کوبا"

ضرورت اتحاد
وسیع سندیکائی

(ص ۶)